

خبر

دادستان کل کشور:

خسارت دیدگان شکایت کنند تا اشار تعقیب و محکوم شوند

● ایسنا: دادستان کل کشور در بخش‌نامه‌ای به دادستان‌های عمومی و انقلاب مراکز استان‌ها بر جلوگیری مسئولان از افزایش قیمت کالاها به بهانه اجرای طرح مدیریت مصرف سوخت و به منظور کاهش مشکلات مردم، تأکید کرد.
متن بخش‌نامه حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری به این شرح است:«با سلام؛ نظر به تأکید مقام معظم رهبری مذبله‌العالی مبنی بر لزوم مراقبت کامل مسئولین از افزایش قیمت کالاها به بهانه اجرای طرح مدیریت مصرف سوخت و به منظور کاهش مشکلات مردم، مقتضی است:اولا: با سازمان‌های متولسی از قبیل مجامع صنفی، سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی تعامل و همکاری لازم به عمل آورده و از هرگونه افزایش قیمت به بهانه افزایش بهای بنزین جلوگیری و نسبت به ارائه خدمات قضائی پیشگیرانه اقدام نماید.ثانیا: از مردم عزیز و کسانی که در اثر شرارت اشرار و تعدی به اموال آنان، دچار خسارت و زیان شده‌اند خواسته شود با مراجعه به دادستان‌ها و حوزه‌های قضائی مربوط، نسبت به طرح شکایت اقدام نمایند تا مرتکبین این جنایت که توسط نیروهای امنیتی و انتظامی شناسایی شده یا می‌شوند یا تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، به جبران خسارت واردشده محکوم گردند.»

روایت احمد توکلی از توصیه رهبری به روحانی:
اول پرداخت نقدی یارانه‌ها بعد اجرای سهمیه‌بندی
● افزایش یکباره قیمت بنزین به همراه سهمیه‌بندی آن واکنش‌های بسیاری به همراه موجی از اعتراضات مردمی را نیز ایجاد کرد. دولت در توجیه ضرورت انجام این امر به افزایش میزان یارانه‌ها اشاره کرده است، اما یکی از مسائل مهم در این رابطه نحوه پرداخت و تجربه تأخیرهای مکرر دولت در پرداخت یارانه‌هاست. ازاین‌رو به گفته احمد توکلی، رهبر انقلاب بابت تأخیر دولت در پرداخت یارانه جدید مردم هشدار داده است. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به واکنش‌ها نسبت به افزایش قیمت بنزین گفته است: رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور گفتند، مناسب بود هم‌زمان با اجرای سهمیه‌بندی بنزین اولین پرداخت نقدی یارانه‌ها نیز صورت می‌گرفت؛ ولی حالا که انجام نشده، لازم است زودتر اقدام کنید. احمد توکلی در گفت‌وگو با فارس، درباره موضع رهبر انقلاب درخصوص وقایع اخیر پس از دونرخ‌کردن بنزین اظهار کرد: در حاشیه دیدار با مسئولان در روز عید (جمعه)، رهبر انقلاب یک توصیه به آقای روحانی داشتند که خوب است زودتر اجرایی شود. وی ادامه داد: آقای روحانی در حاشیه جلسه گزارشی مختصر از روند اجرای طرح سهمیه‌بندی به رهبر انقلاب ارائه می‌کنند. توکلی در ادامه با اشاره به سوال رهبر انقلاب از رئیس‌جمهور گفت: رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور گفتند، مناسب بود هم‌زمان با اجرای این طرح، اولین پرداخت نقدی یارانه‌ها نیز صورت می‌گرفت؛ ولی حالا که انجام نشده، لازم است زودتر اقدام کنید.

فرمانده ناجا: اجازه اخلال و ناامنی نمی‌دهیم

● ایسنا: فرمانده نیروی انتظامی گفت: درپی اتفاقات روز شنبه و ایجاد خسارتی به اموال عمومی و مردمی، پلیس بلافاصله به صحنه حاضر شد و با «سعه صدر» مأموریت خود را انجام داد.سردار حسین اشتری افزود: مطمئنا نیروی انتظامی در کنار مردم و در خدمت امنیت آنان است، چراکه «امنیت مردم» و «حفاظت از اصول عمومی و مردمی» خط قرمز ماست. ج‌بمدالله پلیس وظایف خود را به‌خوبی انجام داده و در همین‌جا اعلام می‌کنم کسانی که قصد اخلال، بی‌نظمی و تعدی به حقوق مردم را دارند و قانون‌گریز هستند، بدانند که براساس قانون با آنها برخورد خواهد شد.او گفت: در روزهای اخیر به صورت همکارانه، تعدادی از اخلالگران و فرصت‌طلبان شناسایی شده‌اند و برخورد لازم با آنها صورت گرفته است. به مردم عزیز تأکید می‌کنم صف خود را از صف معصود افرادی که به دنبال اخلال و بی‌نظمی هستند، جدا کنند. ایجاد هرگونه اخلال و تخریب اموال عمومی کشور از مصادیق بارز جرم است و پلیس براساس وظیفه ذاتی و قانونی خود با افرادی که جرمی مرتکب شوند، برخورد می‌کند.سردار اشتری با بیان اینکه در خدمت مردم و امنیت کشور هستیم، افزود: اجازه نخواهیم داد روند آرامش و امنیت بسیار خوبی که امروز در کشور حاکم است دچار اخلال شود و خدای ناکرده کسانی بتوانند از این فضا سوءاستفاده کند، بررسی‌های ما حاکی از خط‌دهی سازمان‌های ضدانقلاب و منافقین در پس پرده این تحركات است. نهادهای امنیتی و انتظامی کشور، این افراد را شناسایی کرده و ان‌شاء‌الله در موعد مقرر به سزای اعمال خود خواهند رسید.

روح‌اله نفعی: «کارمند حرفه‌ای» شاید بهترین عبارت برای توصیفشان باشد، کسانی که در ساختارهای دولتی و حکومتی، سالیان سال، صرف‌نظر از اینکه کدام حزب روی کار بوده، کار را در حوزه کاری خودشان پیش می‌برده‌اند. «حرفه‌ای» نه به معنای ارزیابی از میزان تسلط و تخصصشان، بلکه به این معنا که آنها، کار در این نهادهای را به‌عنوان یک «حرفه» مدت‌هاست پی گرفته‌اند. افرادی که بیش از هر چیز به «اجرا» در نام «قوه مجریه» معنا می‌دهند: اگر رئیس‌جمهور و اعضای ارشد کابینه‌اش، راهبردها، اهداف و کلیات را انتخاب و تعیین می‌کنند، این کار کارمندان حرفه‌ای در سطوح میانی است که مسیرهای تعقیب این راهبردها و حرکت به‌سوی این اهداف را طراحی و پیگیری کنند. اغلب به خاطر همین رویکرد غیرسیاسی است که باعث می‌شود در دولت‌های مختلف مشغول کار باشند، نظر ازاین‌طری تخصصی فرض می‌شود که چندان درگیر موضع‌گیری‌های سیاسی‌شان نیست، حتی وقتی بازنشسته شده باشند. در وزارت خارجه هم آنها را «دیپلمات حرفه‌ای» می‌خوانند.

«ویلیام جوزف برنز» یا همان بیل برنز، یکی از آنهاست. «کارمند حرفه‌ای» وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا که در دولت رونالد ریگان، رئیس‌جمهوری که از نمادهای سیاست‌مداری جمهوری‌خواهانه بود، وارد این نهاد شد و در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما، آخرین قهرمان حزب دموکرات، بعد از کار روی یکی از پروژه‌های اصلی سیاست خارجه رئیس‌جمهور شماره ۴۴، بازنشسته شد، یعنی بعد از کار با سه رئیس‌جمهور جمهوری خواه و دو رئیس‌جمهور دموکرات. در همان سال بازنشستگی‌اش، یعنی سال ۲۰۱۴، «اندیشکده صلح بین‌المللی کارنگی» اعلام کرد برنز از ۲۰۱۵ به‌عنوان رئیس این اندیشکده آغازبه‌کار خواهد کرد. برنز در دوران پرفراز و نشیب کار در وزارت خارجه ایالات متحده، از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۴ (یک سال قبل از برجام) در سمت‌های مختلف و متعدد، شاهد، ناظر و درگیر اتفاقات مهمی در صحنه جهانی بوده است، اتفاقاتی مانند آغاز رسمی فروبوختن دیوار برلین و اتحاد دو آلمان در ۱۹۹۰، جنگ خلیج [فارس] از ۹۰ تا ۹۱، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۹۱، انقلاب و کودتاهای عربی در اوایل دهه ۲۰۱۰، مذاکرات هسته‌ای با ایران ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ و پروژه‌ها و عملیات نظامی آمریکا در لبنان در سال‌های ۱۹۸۳ و ۲۰۰۶، مصر در ۸۳، هندوراس در ۸۳ و ۸۸، لیبی در ۸۶ و ۸۹، پاناما در ۸۸ و ۸۹، عراق در ۹۱، ۹۲، ۹۸ و ۲۰۰۳، کویت در ۹۴ و ۹۶، بوسنی در ۹۳، ۹۴ و ۹۵، افغانستان در ۹۸ و ۲۰۰۱، صربستان در ۹۹، گرجستان در ۲۰۰۳، یمن در ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰، پاکستان در ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، ۲۰۱۱، لیبی در ۲۰۱۱، سوریه در ۲۰۱۴ و تعدادی کشورهای دیگر.

ویلیام برنز چهار سال بعد از بازنشستگی، یعنی بهار امسال، به روال مرسوم دیپلمات‌ها و سیاست‌مداران، کتاب «باینپازنتسکی» خود، The Bach Channel، را با عنوان ثانویه «روایتی از دیپلماسی آمریکایی و دعوایی برای احیای آن»، منتشر کرده است. این کتاب به تازگی با عنوان «گفت‌وگوهای پشت پرده» با ترجمه آرمن منتظری و توسط انتشارات کتاب‌سرا در ایران منتشر شده است.

روایت ۳ دهه دیپلماسی
روایت ۳ دهه حدود ۳۲سال کار خود را به ۱۰ فصل تقسیم کرده است. بعد از دو فصل اول، «دوران کارآموزی، آموزش یک دیپلمات» و «سال‌های کاری جیمز بیکر؛ شکل‌دادن نظم»، باقی‌فصل‌ها هرکدام حول محور یکی از مسائل دیپلماتیک آمریکا در دوران کاری او تنظیم شده‌اند: مواجهه با روسیه شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰، گذار اردن از ملک حسین به ملک عبدالله در اواخر همین دهه، فضای پس از یازده سپتامبر آمریکا و «جنگ علیه ترور» در اوایل قرن بیست‌ویکم، تعامل با روسیه پوتین، «چرخش» در روند کار سیاست خارجی آمریکا در دوران باراک اوباما، تحولات کشورهای عربی که با نام «بهار عربی» معروف شد و بالاخره ریحارد پیروزه دوران کاراش برنامه هسته‌ای ایران. او در فصل آخر به مرور کلی شرایط آمریکا و سیاست خارجی این کشور بعد از بازنشستگی‌اش می‌پردازد و البته ریاست‌جمهوری ترامپ و سیاست خارجی او را نیز اینجا جدی‌تر بررسی می‌کند. در این کتاب، مجموعه‌ای از تصاویر برنز از دوران کاری خود و نیز مجموعه‌ای از تصاویر اسناد غیرمحرمانه و اسنادی که از طبقه‌بندی خارج شده‌اند، منتشر شده است.

برنز به روایت مافوق‌های سابقش
توصیفات و تمجیدهای کوتاه شش وزیر خارجه سابق آمریکا از این کتاب نیز در آن منتشر شده: هنری کیسینجر، وزیر خارجه ریچارد نیکسون و جرارد فورد، از «استدلال‌های نافذ و بسیار دقیق» برنز در ضرورت احیای دیپلماسی آمریکا می‌گوید؛ جورج شولتز، وزیر خارجه رونالد ریگان، کتاب را «مملو از ماجراها و آموزه‌های جالب و خردمندانه» توصیف می‌کند. جیمز بیکر، وزیر خارجه جورج اچ دبلیو بوش، آن را «ترکیبی نادر و دقیق از بینش استراتژیک و اقدامات دیپلماتیک» می‌خواند. مدالین آلبرایت، وزیر خارجه بیل کلینتون، آن را «تصویری شفاف از نحوه کارکرد دیپلماسی آمریکا» و «شهم‌اندازی واقع‌گرایانه و منطقی از آینده آن» می‌بیند. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه باراک اوباما، از «دقت و صراحت کلیت کشورها برای مذاکره بود. او به‌قدرت به یکی از بازیگران روی صحنه مذاکرات نیز تبدیل شد و در دوران مذاکرات، ویلیام برنز، پیشگام تیم دیپلمات‌های آمریکایی بود.

«دقیقا نتیجه عکس داشت. این اقدامات باعث می‌شد اوباما تعهد خود را به یافتن راهی غیر از جنگ در قبال برنامه هسته‌ای ایران دوچندان کند». برنز همچنین از نقش آفرینی عمان، میانجی معروف منطقه، در این میان می‌گوید که کارآمدتر از پیش‌بینی او نیز بوده است.

اولین درخواست بازنشستگی

برنز در کتابش درباره سابقه کار روی ایران می‌نویسد: «مسائل مربوط به ایران، بیشتر دوران کاری‌ام را به خود اختصاص داده بودند. ایران در مسائل سیاست خارجی آمریکا مترادف دردسر، تهدید و اشتباهات بود. حضور ایران ارباب‌آور، سرسخت و بزرگ‌تر از آتی بود که بشود نادیده گرفت. در عین حال، جزء سرسخت‌ترین کشورها برای مذاکره بود. ایران برای دیپلمات‌ها میدان می‌بود که هیچ‌کس نقشه آن را در اختیار نداشت». برنز می‌نویسد اولین

دیپلماسی

به بهانه ترجمه کتاب ویلیام برنز، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران

مذاکره با ایران؛ میدان مین بی‌نقشه



شوخی‌طبعی» برنز را در بیان «همه تلاش‌های پشت پرده، با صراحت» می‌ستاید. آنها اغلب شخص برنز را نیز از تحسین بی‌نیص نمی‌گذارند. کیسینجر، برنز را «یکی از بهترین دیپلمات‌های آمریکایی»، بیکر «یکی از بهترین دیپلمات‌های آمریکایی در نیم‌قرن اخیر»، آلبرایت «یکی از بهترین و محترم‌ترین دیپلمات‌های آمریکایی»، کلینتون «مهرهای ارزشمند و گرانبها» و کری که با برنز تجربه پیش‌بردن مذاکرات هسته‌ای با ایران را دارد، او را «دیپلماتی سرسخت، باهوش و کارکشته که تمام تلاش خود را برای تسهیل روند قدرتمندترشدن آمریکا به کار گرفت» توصیف می‌کند.

وقتی در سال ۲۰۱۴، برنز بعد از چند نوبت به‌تأخیرافتادن بازنشستگی‌اش بالاخره از وزارت خارجه کنار رفت، با تمجیدهای وزیر و رئیس دولت بدرقه شد. اوباما در پیامی نوشت: «از سال ۲۰۰۵ که در مسکو با بیل آشنا شدم، مهارت و دقت او را ستودم». رئیس‌جمهور وقت نوشت برای «کارهای ظریف بی‌شماری» به برنز اتکا داشته است و «او تک‌تکشان را با همان مهارت و دقت مدیریت کرد». اوباما او را «مشاوری ماهر، دیپلماتی تمام‌عیار و الهام‌بخش چندین نسل» کارکنان

بخش دولتی خواند: «کشور به

لطف خدمات بیل، قوی‌تر است.»

در بیانیه رئیس‌جمهور همچنین آمده بود: «من برای مشاوره‌های صریح و مأموریت‌های حساس دیپلماتیک روی او حساب می‌کردم، کری، آخرین رئیس برنز، او را با جورج کینن و چارلز بولن، دو دیپلمات برجسته دوران جنگ سرد مقایسه کرد و گفت برنز «جایگاه خود را در فهرست

بسیار کوتاه اساطیر دیپلماسی آمریکا کسب کرده است». کری، برنز را بابت تأثیرگذاری عظیم در مسائل بی‌شمار ستود که در مسیرهای ناگفته رخ داده است.

«... در بسیاری از دیگر مسائل مهم مربوط به منع تسلیحات، کره‌شمالی و ایران، ما به نوعی گیر کرده‌ایم. درباره ایران، خیلی نمی‌توانم بحث را طولانی کنم اما به نظر تمصیم فوق‌العاده احمقانه‌ای برای ایالات متحده بود که در می گذشته، می ۲۰۱۸، از توافق جامع هسته‌ای بیرون برود. درباره مسئله هسته‌ای کره‌شمالی هم نگران هستم...».

۲ بار تأخیر در بازنشستگی
اینها بخشی از تازه‌ترین صحبت‌های برنز درباره توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ هستند، توافقی که برنز، یکی از مهره‌های اصلی فراهم‌سازی شرایط لازم برای آن در طرر آمریکایی بود. درواقع، نقش آفرینی برنز در فرایند مذاکرات هسته‌ای ایران عला باعث طولانی‌ترشدن دوران کاری برنز شد: برنز دو بار بازنشستگی خود را به تأخیر انداخت تا همچنان در فرایند مذاکرات هسته‌ای با ایران حضور داشته باشد؛

بار اول به درخواست جان کری، وزیر خارجه وقت و بار دوم به درخواست شخص رئیس‌جمهور ایالات متحده، یعنی باراک اوباما. برنز که به نظر می‌رسد در بین دیپلمات‌های آمریکایی بیشترین تعامل مستقیم را با مقامات ایرانی داشته است؛ زیرا او رئیس تیم مذاکرات محرمانه با ایران در عمان بود و بعد از شروع مذاکرات علنی نیز تا مدت‌ها کاتال غیررسمی گفت‌وگوی خود با ایران را حفظ کرده بود. به روایت نیویورک‌تایمز، برنز و جیکاب سالیوان، از دستیاران کلینتون در وزارت خارجه، از در پشتی هتل محل اقامت تیم آمریکایی وارد می‌شدند تا رایتی‌ها را بی بگیرند. او بعدتر به یکی از بازیگران روی صحنه مذاکرات نیز تبدیل شد و در دوران مذاکرات، ویلیام برنز، پیشگام تیم دیپلمات‌های آمریکایی بود.

برنز که به نظر می‌رسد در بین دیپلمات‌های آمریکایی بیشترین تعامل مستقیم را با مقامات ایرانی داشته است؛ زیرا او رئیس تیم مذاکرات محرمانه با ایران در عمان بود و بعد از شروع مذاکرات علنی نیز تا مدت‌ها کاتال غیررسمی گفت‌وگوی خود با ایران را حفظ کرده بود. به روایت نیویورک‌تایمز، برنز و جیکاب سالیوان، از دستیاران کلینتون در وزارت خارجه، از در پشتی هتل محل اقامت تیم آمریکایی وارد می‌شدند تا رایتی‌ها را بی بگیرند. او بعدتر به یکی از بازیگران روی صحنه مذاکرات نیز تبدیل شد و در دوران مذاکرات، ویلیام برنز، پیشگام تیم دیپلمات‌های آمریکایی بود. «دقیقا نتیجه عکس داشت. این اقدامات باعث می‌شد اوباما تعهد خود را به یافتن راهی غیر از جنگ در قبال برنامه هسته‌ای ایران دوچندان کند». برنز همچنین از نقش آفرینی عمان، میانجی معروف منطقه، در این میان می‌گوید که کارآمدتر از پیش‌بینی او نیز بوده است.

اولین درخواست بازنشستگی

برنز در کتابش می‌نویسد در آغاز دوره اول اوباما به تغییر وزیر خارجه از کلینتون به کری، قصد داشته است بازنشسته شود؛ اما به درخواست کری در جایگاه

قائم‌مقام وزیر باقی می‌ماند. به نوشته برنز، در دوره دوم، کری نیز مانند اوباما مسئله ایران را در اولویت می‌دید. اهمیت مسئله ایران از دیدگاه اوباما را در این توصیف برنز می‌توان دریافت: «در ۳۰ سالی که در دولت آمریکا مشغول به کار بودم، هیچ موضوعی غیر از موضوع حمله به اقامتگاه بن‌لادن در سال ۲۰۱۱، ندیدم که حول آن تا این حد تلاش، بحث و بررسی شده باشد». او از تلاش‌های شدید برای مخفی نگه‌داشتن گفت‌وگوها در کاخ سفید درباره ایران می‌نویسد که تا حد عناون بی‌ربط برای جلسات و عدم ثبت در تقویم‌های عمومی پیش می‌رود، حتی پروازهای مکرر تیم برنز به عمان با «هواپیماهای بی‌نام‌ونشان» انجام می‌شود که «هیچ فهرستی از مسافران‌شان نداشتند». جدیت اوباما در این زمینه نیز جایی مشخص می‌شود که دغدغه‌های مذاکره‌کنندگان ایرانی از روند مذاکرات در دستور آثار آمریکایی‌ها جدی گرفته می‌شود: «مذاکره‌کنندگان ایرانی که در داخل به‌شدت تحت فشار بوده و به انگیزه‌های آمریکا شک و تردید داشتند، هشدار داده بودند با افشای مذاکرات [دوجانبه پشت پرده بین ایران و آمریکا] ادامه مسیر غیرممکن خواهد شد». به همین خاطر اوباما در چارچوبی که برای تیشش تعریف می‌کند، تأکید می‌کند: «گفت‌وگوها با ایران باید همچنان محرمانه باقی بمانند». او درباره نگاه اوباما می‌نویسد: «اوباما کاملاً متقاعد شده بود که بدون پذیرفتن شکل محدودی از برنامه غنی‌سازی یومی، به هیچ توافقی با ایران دست نخواهیم یافت. شاید ۱۰ سال پیش که آنها تنها چند سانترفیوژ در حال چرخش داشتند، می‌توانستیم به توافقی با ایران دست پیدا کنیم که در آن برنامه غنی‌سازی در حد صفر باشد؛ اما دست‌یافتن به چنین توافقی در سال ۲۰۱۳ غیرممکن نبود، چراکه ایرانی‌ها ۱۹ هزار سانترفیوژ در حال چرخش داشته و افکار عمومی ایران نیز از غنی‌سازی اورانیوم به‌عنوان بخشی از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز دفاع می‌کردند.»

روایت عمان

پیش از آغاز رسمی گفت‌وگوها، اوایل ۲۰۱۳ زمانی که مقامات ایران و آمریکا گفت‌وگوهای غیررسمی را به عمان برای زمینه‌سازی شروع کردند، این برنز بود که به رهبری تیم آمریکایی انتخاب شد. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت ایالات متحده، دراین‌باره گفته است: «وقتی تصمیم گرفتیم این کار [گفت‌وگوهای اولیه با ایران برای شروع رسمی مذاکرات هسته‌ای] را انجام دهیم، شروع کردیم آماده‌کنیم که بیل [به این مذاکرات] برود». برنز-ماجرای اولین جلسه گفت‌وگوهای این‌چینی در عمان را با حضور علی‌اصغر خاجی، معاون وزیر خارجه ایران، رضا زبیب، مدیرکل آمریکای شمالی وزارت خارجه، داوود محمذیان، از وزارت اطلاعات، نمایندگان سازمان انرژی اتمی ایران، یک مترجم «متبحر» هیئت ایرانی و افرادی که به عقیده برنز برای ثبت گفت‌وگوها آنجا بودند، این‌طور توصیف می‌کند: «آن‌قدر وزن تاریخ دو کشور بر سمن سنکینی می‌کرد که فرصتی برای لذت‌بردن از منطقه دریا نداشتیم... سکوت را شکستم و از خاجی خواستم چنانچه تمایل دارد، سخشن را آغاز کند. او اما توپ را به من پاس داد. این رفتار خاجی نشان داد ایرانی‌ها بیشتر به مأموریت شناسایی آمده‌اند... آن نشست برای هر دو ما اهمیت داشت: فرصتی نادر دست داده بود تا بتوانیم به‌طور خصوصی مستقیما با هم حرف بزنیم. شک نداشتیم که این گفت‌وگو دواور خواهد بود». او در ادامه می‌گوید پس از آخرین جلسات این‌چینی در عمان، به واشنگتن از «کیلومترها فاصله» در «مفهوم اصلی مذاکره» بین دو کشور خواهد گفت که با توجه به سال‌ها عدم گفت‌وگو بین دو کشور، از نگاه او طبیعی بوده است.

دیپلمات‌های ایرانی در توصیف برنز

بعد از ناگامی این دور از گفت‌وگوها، هم در سطح علنی و هم غیرعلنی، کار به انتخابات ایران در سال ۱۳۹۲ می‌رسد. برنز می‌نویسد پیروزی روحانی باعث امیدواری آمریکایی‌ها به آینده گفت‌وگوها می‌شود.او در ادامه به توصیف مهره‌های اصلی مذاکره ایران در دوران روحانی می‌پردازد: جواد ظریف، «وزیر خارجه کاردان»، آشنا به «دنیای پر دوزولکک سیاست» که «می‌دانست چطور از هوش و چهره دلسوزانه‌اش استفاده کند... مجید تخت‌روانچی و عباس عراقچی، به‌شدت وطن‌پرست»، با نگاهی همراه با «شک و تردید» به آمریکایی‌ها، در بیان مواضع «سرسخت و ترحم‌آمیز» که موجب ایجاد می‌شود و رد پیشنهادها از سوی تهران، کار به تصویب قطع‌نامه‌ها علیه ایران می‌رسد که با تلاش کلینتون و سوزان رایس، سفیر وقت آمریکا در سازمان ملل، پیگیری می‌شود: «البته ایرانی‌ها هم مثل همیشه با رفتارهایشان در قانع‌کردن اعضای اصلی شورای امنیت به ما کمک کردند». برنز همچنین از فشارهای نتانیاهو برای اقناع اوباما به اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران می‌گوید که در آستانه انتخابات دور دوم اوباما در ۲۰۱۲، «خشم او را برانگیخته بود». او می‌گوید تلاش‌های نتانیاهو، «دقیقا نتیجه عکس داشت. این اقدامات باعث می‌شد اوباما تعهد خود را به یافتن راهی غیر از جنگ در قبال برنامه هسته‌ای ایران دوچندان کند». برنز همچنین از نقش آفرینی عمان، میانجی معروف منطقه، در این میان می‌گوید که کارآمدتر از پیش‌بینی او نیز بوده است.

برنز با توصیف ادامه مذاکرات، گفت‌وگوهای ظریف و کری، تلاش‌های بی‌نتیجه برای شکل‌دهی به دیدار بین اوباما و روحانی و نیز گفت‌وگوی تلفنی آنها در انتحابات می‌دهد. گفت‌وگوهای محرمانه هشت دور ادامه می‌یابند و کم‌کم حرکت به سمت ادغام آنها و گفت‌وگوهای ۵+۱ نیز پی گرفته می‌شود. به روایت برنز، اروپایی‌ها «از پیشرفت‌هایی که حاصل کرده بودیم شگفت‌زده شدند، اما از اینکه آنها را در بی‌اطلاعی نگه داشته بودیم، دلخور بودند». این روند در نهایت به دستیابی به «برنامه اقدام مشترک» منجر می‌شود و پس از آن است که اخبار گفت‌وگوهای محرمانه منتشر می‌شود.

پایان این مرحله از گفت‌وگوها، در سال ۲۰۱۳، پایان زمانی است که برنز توافق کرده بود بازنشستگی‌اش را تا آن زمان به تعویق بیندازد؛ یعنی تا پایان اولین سال کاری کری... ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۳

بی‌خبری از وضعیت جلیلی

حمیدرضا ترقی احتمال کاندیداشدن جلیلی از مشهد را رد کرده و در گفت‌وگو با ایسنا تأکید کرده که «جلیلی تاکنون حضور و فعالیتی در مشهد نداشته است». از سویی، جواد آرین‌منش، نماینده مشهد در ادوار مجلس، درباره احتمال کاندیداتوری جلیلی از مشهد گفته است: «آقای جلیلی در انتخابات مجلس پنجم از مشهد نامزد شد اما رای نیاورد، البته آن زمان چهره‌ای مشهور و شناخته‌شده در سطح ملی نبود. معتقدم از آنجاکه او امروز چهره ملی محسوب می‌شود و نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری را در کارنامه دارد، مناسب‌تر است از تهران بیاید چون در مشهد حضور زیادی نداشته است». جبهه پایداری که از یک‌سو کار اصولگرایی را تمام و سوخته می‌داند و در جلسات شورای وحدت هم شرکت نمی‌کند، اما از سوی دیگر هم نمی‌خواهد نافشر را از اصولگرایان صد درصد ببرد شاید بتواند در لحظات آخر سهم بیشتری از فهرست بگیرد. او تا کنون درباره اینکه قطعا با فهرست جدا و سرلستی سعید جلیلی یا فرد دیگری خواهند آمد، سخنی نگفته است. از خود جلیلی هم سخنی در نیامده و درباره حضورش در شورای وحدت و آمدنش در انتخابات با فهرست تهران با مشهد هم هنوز اخبار مشخصی منتشر نشده است.

تناقضات درباره‌قالیپاف

به گفته بادمچیان، اما در این میان احتمال سرلیست‌شدن قالیپاف بیش از دیگران است. غفوری‌فرد هم گفته که در این میان نام آقای قالیپاف بیش از دیگران شنیده می‌شود و احتمال سرلیستی او وجود دارد. محسن کوکهر، عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری و نماینده مجلس دهم گفته بود: «افرادی مانند آقای قالیپاف اگر به تشخیص یا تکلیف برسند، بر اساس آن عمل می‌کنند و احتمال کاندیداتوری‌شان وجود دارد». حسین قربانزاده، مشاور سیاسی محمدباقر قالیپاف، تأکید کرده بود که «قالیپاف ظرفیت حضور برای انتخابات ۱۴۰۰ را دارد و کسی که از چنین ظرفیتی برخوردار است نباید خود را محدود به مجلس کند» اما محسن پیرهادی، از چهره‌های نزدیک به این سردار اصولگر، در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرده است که «قالیپاف در صورت نامزدی در انتخابات، از حوزه انتخابیه تهران به مجلس ورود می‌کند». احمد توکلی سرلیستی قالیپاف در انتخابات را کاری عقلانی دانسته و گفته است: «تصور می‌کنم مردم هم آقای قالیپاف را مناسب ببینند و به او رای بدهند». اما عبدالرضا مصری، نایب‌رئیس مجلس، اعلام کرد در دیداری که چند روز قبل با محمدباقر قالیپاف داشته درباره نامزدیش از انتخابات مجلس سؤال کرده و قالیپاف گفته که قصدی برای حضور در این انتخابات ندارد. مهرداد لاهوتی، از نمایندگان نزدیک به سردار هم به خبرنگاران گفته است: «احتمال کاندیداتوری قالیپاف ضعیف است».

تعیین تکلیف لاریجانی

چهار ماه مانده به انتخابات مجلس یازدهم، زرمه‌های ترک بهارستان ازسوی لاریجانی به گوش می‌رسد. درحالی‌که اصولگرایان او را از فهرست قم کنار گذاشته‌اند، به نظر می‌رسد که تنها صندلی باقی‌مانده برای او صندلی پاستور در ۱۴۰۰ است. خودش هم چند ماه پیش گفته بود: «نخستین تصمیمی برای حضور در انتخابات نگرفته‌ام». غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، عضو فراکسیون مستقلین و از چهره‌های نزدیک به لاریجانی، احتمالات درباره عدم کاندیداتوری لاریجانی در انتخابات مجلس را رد کرده و به خبرنگاران گفته است که این اخبار منتشرشده خلاف واقع است. من معتقدم آقای لاریجانی با قدرت در انتخابات مجلس حضور پیدا می‌کند. مردم قسم این‌بار به لیستی از اصولگرایان آرام‌تری نیاز دارند و پیشنهاد ما به ایشان اینس بوده که با دو نفر از چهره‌های معتدل ملی ائتلاف کند و گروهی سه نفره تشکیل بدهد. این موقع مشخص می‌شود که مردم هم به دنبال ایجاد تندروی در کشور نیستند و مخالف رویه فعلی‌اند».

الهام‌می‌آید؟

در این میان احمدی‌نژادی‌ها هم گویا قصد ورود جدی به انتخابات را دارند. تا جایی که حجت‌الاسلام امیری‌فر می‌گوید: «سابقون نزدیک او احمدی‌نژاد، گفته است که احتمالا آقای تمدن، شیخ‌الاسلام و ذبیحی تأیید صلاحیت می‌شوند و شاید اینها از افرادی باشند که بتوانند از سوی جریان احمدی‌نژاد در انتخابات مجلس حاضر شوند. او به خبرآل‌این گفته است بدون شک احمدی‌نژادی‌ها در این انتخابات حاضر می‌شوند که این حضور می‌تواند در قالب حلقه محدود نزدیکیانش باشد و هم در قالب قراردادن چهره‌های سفید در یک راهی وزارت کشور می‌کند. کاندیدایی که امیری‌فر او را غلامحسین الهام می‌داند. او گفته است: «این‌طور که من رصد می‌کنم، آقای الهام تنها چهره نزدیک به احمدی‌نژاد است که احتمال تأیید صلاحیت می‌تواند او را معرفی کند و پشت‌سر او قرار بگیرد».